خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• سه شنبه، ۱۰ مهر ۱۴۰۳
• شماره ۲۱۵۹۶
• ۲۷ ربیع الاول ۱۴۴۶
• اول اکتبر۲۰۲۴

ناگهان شعر

انوری

رایت حسن تو از مه برگذشت
با من این جور تو از حد درگذشت
آتش هجر توام خوش خوش بسوخت
آب اندوه توام از سر گذشت
نگذرد بر هیچ کس از عاشقان
آنچ دوش از عشق بر چاکر گذشت
گریه من شور در عالم فکند
ناله من از فلک برتر گذشت
دوش باز آمد خیالت پیش من
حال من چون دید از من درگذشت
دیده‌ام در پای او گوهر فشاند
تا چو می‌بگذشت بر گوهر گذشت
درگذشت اشک من از یاقوت سرخ
گرچه در زردی رخم از زر گذشت
پایه حسنت به هر شهری رسید
لشکر عشقت به هر کشور گذشت

معرفی اعضای شورای سیاست‌گذاری چهلمین جشنواره موسیقی فجر

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی حکمی اعضای شورای سیاست گذاری چهلمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر را منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود سالاری معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس شورای سیاست گذاری چهلمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر، در احکامی جداگانه وارطان ساهاکیان موسیقی دان و آهنگ ساز، حسن ریاحی چهره ماندگار موسیقی و آهنگ ساز، رضا مهدوی موسیقی شناس و موسیقی پژوه، احمد صدری پژوهشگر موسیقی نواحی، نوشین پاسدار آهنگ ساز، نوازنده و مدرس و امیرحسین سمیعی مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به‌عنوان اعضای شورای سیاست گذاری این دوره از جشنواره موسیقی فجر منصوب کرد.

افتتاح نمایشگاه جدید موزه هنرهای معاصر به تعویق افتاد

افتتاحیه نمایشگاه جدید موزه هنرهای معاصر به زمان دیگری موکول شد. به گزارش ایسنا، افتتاحیه نمایشگاه موزه هنرهای معاصر در پی شهادت سید حسن نصرا... دبیر کل حزب‌ا... لبنان و اعلام پنج روز عزای عمومی در کشور به تعویق افتاد. بازگشایی موزه هنرهای معاصر و افتتاح نمایشگاه جدید آن قرار بود روز گذشته دوشنبه ۹ مهر صورت گیرد که طبق برنامه‌ریزی‌های جدید برگزار کنندگان به هفته آینده موکول شد؛ البته هنوز زمان دقیق افتتاحیه نمایشگاه جدید موزه در هفته آینده اعلام نشده است.

آلبوم موسیقی متن «عقاب‌ها» به‌زودی منتشر می‌شود

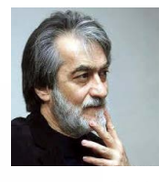

روز گذشته مجید انتظامی در صفحه شخصی اش در فضای اینستاگرام خبر از انتشار آلبوم موسیقی متن فیلم سینمایی «عقاب‌ها» در آینده نزدیک خبر داد. عقاب‌ها فیلمی ایرانی در ژانر جنگی به کارگردانی ساموئل خاچیکیان است که در سال ۱۳۶۳ تولید شده و آهنگ‌سازی این فیلم را مجید انتظامی بر عهده داشته است. مجید انتظامی در سال ۱۳۲۶ در خانواده‌ای هنرمند در تهران به دنیا آمد. وی با راهنمایی های پدرش، عزت ا... انتظامی همراه با دو برادر خود به تحصیل موسیقی پرداخت. انتظامی تحصیلات موسیقی را در کنسرواتوار تهران آغاز کرد و برای ادامه تحصیل به آلمان غربی و دانشگاه دولتی برلین نزد استادانی چون کارل اشتاین و لوتار کخ به تحصیل پرداخت. او به‌عنوان هنرمند تک‌نواز بر صحنه شهرهای برلین آلمان و نانسی، مارسی و لیون فرانسه نیز ظاهر شده است. این هنرمند در سال ۱۳۵۳ به کشور مان بازگشت و ضمن همکاری با ارکستر سمفونیک تهران به تدریس در دانشگاه تهران و هنرستان عالی موسیقی مشغول شد.

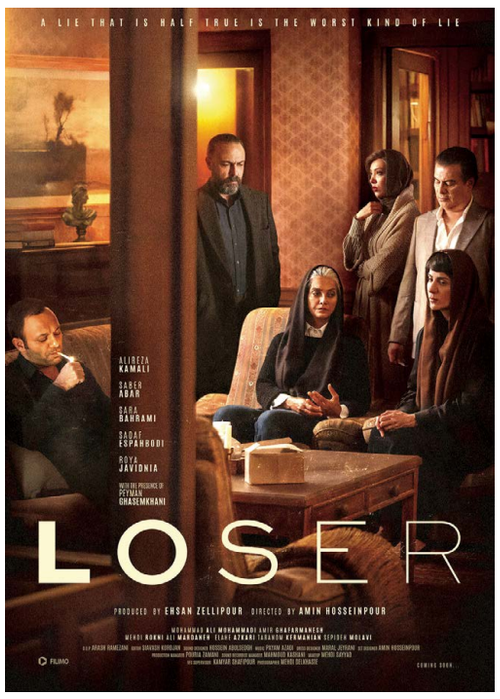

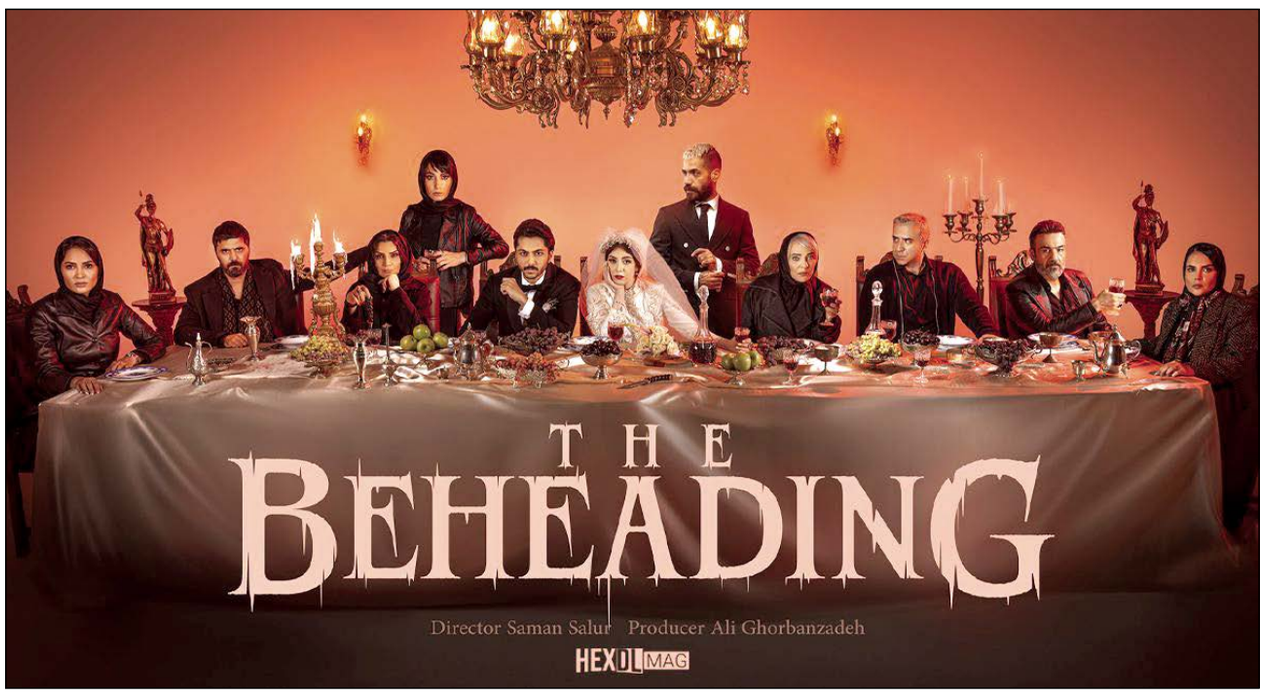

نامه اعتراض شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی به ساترا در پی یک بی‌توجهی

«گردن‌زنیِ» زبان فارسی به سبک نمایش خانگی

گفت‌وگوی خراسان با دکتر اسماعیل امینی، استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره واکاوی آسیب های کاربرد واژه‌های بیگانه در کلام و متن

الهه آرانیان
calture@khorasannews.com

بارها و بارها در این صفحه از بی‌توجهی شبکه نمایش خانگی به زبان فارسی نوشتیم. همچنین در قالب گزارش های متعددی به وضعیت نگران کننده زبان فارسی در برنامه‌های مسابقه‌محور و ترکیبی نمایش خانگی مانند «مافیا»، «پدرخوانده»، «صداتو» و «جوکر» اشاره کردیم و یادآور شدیم بی‌توجهی به زبان فارسی و هجوم واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه به این برنامه‌ها، عواقب خوبی در پی ندارد. حالا پای نادیده‌انگاریِ زبان فارسی به مجموعه‌های نمایشی این شبکه هم باز شده و صدایِ شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی را هم درآورده است. اتفاق عجیبی که در آغاز و انتهای دو مجموعه نمایشی «گردن‌زنی» و «بازنده» می‌افتد این است که نام این دو سریال و تیتراژ انتهایی و ابتدایی آن ها به زبان انگلیسی است و اثری از عنوان و اسامی بازیگران و دیگر عوامل به زبان فارسی نیست. این اگر خودباختگی فرهنگی نیست، نامش چیست؟

رابطه ناگسستنی زبان، سینما و تصویر

در هفته‌های اخیر پخش دو مجموعه ایرانی جدید به نام‌های «گردن‌زنی» و «بازنده» از شبکه نمایش خانگی آغاز شده است؛ مجموعه‌هایی که نامشان در ابتدا به انگلیسی آورده می‌شود: «The Beheading» و «The Loser». پس از پخش نخستین قسمت‌های این دو مجموعه، دبیر شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی از ارسال نامه اعتراضی این شورا به ساترا به دلیل بی‌توجهی دو مجموعه «گردن‌زنی» و «بازنده» به زبان فارسی خبر داد. در «بازنده» علاوه بر پوستر، نوشته های شروع و پایان سریال کاملاً به زبان انگلیسی است و عنوان و اسامی بازیگران در تیتراژ پایانی به زبان انگلیسی درج شده‌اند. در سریال «گردن‌زنی» نیز در طراحی پوستر از واژه انگلیسی استفاده شده است. بی‌توجهی به زبان فارسی و قوانین موجود در استفاده از زبان انگلیسی در کنار زبان فارسی در سریال «بازنده» مشهودتر است. یاسر احمدوند، دبیر شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی در این باره به تسنیم گفته است: «شورای پاسداشت زبان فارسی یک شورای هماهنگ کننده و ناظر است و صرفاً در جهت اعلام و تذکر فعال است. متاسفانه، ابزار اجرایی لازم برای برخورد با متخلف‌ها در این موضوع در حوزه فرهنگی در اختیار شورا و وزارت فرهنگ و ارشاد نیست. بنابراین، بیشتر باید حساسیت‌های فرهنگی ایجاد کرد و نوعی اعتراض مدنی به کمک اهل فرهنگ شکل گیرد، چراکه این بی‌توجهی‌ها واقعاً آسیب‌زننده است. یکی از دلایل بی‌توجهی به زبان فارسی در شبکه نمایش خانگی می‌تواند این باشد که هنرمندان و سینماگران تمام تمرکزشان را روی تصویر قرار می‌دهند و به بهانه این که سینما و تلویزیون دنیای تصویر است، به مقوله زبان توجه شایانی نمی‌کنند. در صورتی که رابطه زبان، سینما و تصویر رابطه‌ای ناگسستنی است.»

به کاربردن کلمات بیگانه آنجا غیرطبیعی می‌شود که تصور کنیم اگر من اصطلاحات خارجی به کار بردم و مردم متوجه حرفم نشدند، یعنی خیلی آدم باسوادی هستم. این عیب است. این ذهنیت که اگر کسی توانست لغت‌های خارجی زیادی به کار ببرد، یعنی خیلی آدم باسوادی است

تذکر و اعتراضی موثر یا بی‌فایده؟

دبیر شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی از نبود ابزار اجرایی لازم برای برخورد با بی‌توجهی به زبان فارسی و لزوم ایجاد حساسیت‌های فرهنگی و اعتراض مدنی اهالی فرهنگ و ادبیات به این موضوع گفته است. اما مگر نه این که قشر هنرمند و سینماگر ایرانی خود را داعیه‌دار فرهنگ می‌دانند؟ پس چرا بعضی از آن ها به یکی از ارکان اصلی فرهنگ ایرانی که زبان فارسی است، تا این اندازه بی‌توجه هستند؟ آیا طراحی پوستر و تیتراژ مجموعه نمایشی به زبان فارسی کسر شأن است؟ بر فرض هم اگر قرار است این مجموعه‌ها در شبکه‌های خارجی به نمایش دربیایند، چرا تیتراژ و پوستر دوزبانه (فارسی و انگلیسی) طراحی نمی‌کنند؟ متاسفانه یکی از دلایل بی‌توجهی به زبان فارسی در دنیای تصویر و نمایش، نوعی خودباختگی فرهنگی است. همان تصوری که هر کس واژه‌های غیرفارسی بیشتری در گفتار و نوشتارش به کار ببرد، متمایزتر و باسوادتر است. مسئله، همان رقابت برای بیشتر دیده‌شدن است؛ رقابتی پوچ و بی‌هدف که تنها نتیجه‌اش تشویق نسل جوان به نادیده گرفتن زبان ملی فارسی است. باید منتظر ماند که بعد از تذکر شورای پاسداشت زبان فارسی، سازندگان دو مجموعه «گردن‌زنی» و «بازنده» به آن اعتنایی می‌کنند یا نه.

مسابقه چه کسی از همه باسوادتر است!

دکتر اسماعیل امینی، استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان زبان فارسی درباره علت‌های کاربرد واژه‌های بیگانه، حتی واژه‌هایی که برگردان‌های بدیهی و معمول دارند، به خراسان می‌گوید: «نسل جوان معمولاً می‌خواهد نسبت به بزرگ‌ترهایش متمایز باشد؛ در زبان، در آرایش سر و صورت و لباس پوشیدن و.... این نسل می‌خواهد مرزی بکشد بین خود و بزرگ‌ترها. تا این حد طبیعی است. این موضوع آنجا غیرطبیعی می‌شود که تصور کنیم اگر من اصطلاحات خارجی به کار بردم و مردم متوجه حرفم نشدند، یعنی خیلی آدم باسوادی هستم. این عیب است. این ذهنیت که اگر کسی توانست لغت‌های خارجی زیادی به کار ببرد، یعنی خیلی آدم باسوادی است. در حالی که وقتی فارسی حرف می‌زنم، فارسی حرف می‌زنم. وقتی انگلیسی حرف می‌زنم، انگلیسی حرف می‌زنم. این‌ها از همدیگر جدا هستند. در گذشته اظهار فضل به این بوده که در کلام و نوشته‌شان واژه‌های عربی زیاد به کار می‌بردند. کلمه‌های فارسی هم که رایج بوده، کنار می‌گذاشتند و به‌جایش کلمه عربی می‌آوردند. این خوب نیست. اینکه بخواهیم به‌واسطه زبان، تمایز ایجاد کنیم. بعضی از همکارهای ما در دانشگاه‌ها سر کلاس به زبانی صحبت می‌کنند که دانشجوی بیچاره متحیر می‌ماند. اگر دقت کرده باشید استادان برجسته و قدیمی و سخنران‌های جاافتاده و قدیمی ساده حرف می‌زنند. مراجع تقلید و مدرسان بزرگ حوزه علمیه ساده حرف می‌زنند.»

سیندرلا در ویتنام

درباره رمان «عاشق» اثر مارگریت دوراس

ادبیات جهان

جواد لگزیان
calture@khorasannews.com

دخترک ۱۵ ساله فرانسوی که در سایگون به دنیا آمده است به هنگام گذر از رود مکونگ، سوار بر کَرَجی متوجه نگاه مردی از داخل ماشین لیموزین سیاه‌رنگ می‌شود. مرد، چینی است. از معدود ثروتمندان چین و صاحب یک سلسله مسکونی های مستعمراتی. دخترک از آن روز به بعد برای رفتن به مدرسه شبانه‌روزی سوار لیموزین می‌شود و برای صرف شام به مجلل‌ترین رستوران های شهر می‌رود اما سیندرلای داستان عاشق، شاد و خوشبخت نیست و مبتلاست به اندوه:

«دچار اندوهی شده‌ام که انتظارش را می‌کشیدم، اندوهی که ریشه‌اش در خود من است. راستش، من همیشه غمگین بوده‌ام. این غمگینی را حتی در عکس های دوران کودکیم هم می‌بینم، این اندوه، این همیشه آشنا را من همواره در خود داشته‌ام. اندوه چنان شباهتی به من دارد که می‌توانم آن را همنامِ خودم کنم...»

پدر دخترک مرده، برادر بزرگ معتاد، برادر کوچک بیمار و مادر مجنون است و دخترک رنجور از روزگار از قصه شب طبیعت حکایت می‌کند:

در وینه لونگ هر وقت مادرم دلش می‌گرفت، اسب کالسکه دونفری را می‌بست و برای نظاره شب ایام بی‌بارانی به حومه شهر می‌رفتیم. بابت آن شب‌ها و آن مادر، اقبال داشتم من. نور آسمان بر بلور شفاف آبشارها و بر ستون‌هایی از سکوت و سکون می‌تابید. فضا آبی بود، نیلگون، می‌شد با دست لمسش کرد. آسمان تپش مداوم شفافیت نور بود. شب همه‌جا را تمامی دهکده را در دو سوی رود تا آنجا که چشم کار می‌کرد روشن کرده بود.»

مارگریت دوراس

مارگریت دوراس (۱۹۱۴-۱۹۹۶) داستان‌نویس و فیلم‌ساز فرانسوی در هندوچین مستعمره دیروز فرانسه و ویتنام امروز متولد شد و با ساخت بیش از ۱۹ فیلم و نوشتن ۶۰ کتاب شامل رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، اقتباس، فیلم‌نامه تلاش کرد ناکامی های زندگی را پشت سر بگذارد.

درباره رمان عاشق

مارگریت دوراس، بانوی داستان‌نویسی مدرن در این داستان از نوجوانی خود می‌نویسد. پدر و مادر او به سایگون آمده بودند تا در این مستعمره زندگی بهتری را تجربه کنند اما تلاش آن‌ها با بختشان همراه نبود. پدر بیمار شد و درگذشت. پس‌انداز خانواده با خرید زمینی بی‌حاصل بر باد رفت.

با این همه داستان عاشق زیباست. در حال خواندن رمان خواننده احساس می‌کند با کرجی در رودی در سایگون در حرکت است و غم‌ها همراه با شنیدن آوازی فرانسوی در آفتاب مه‌گرفته رودخانه ناپدید می‌شود و خورشید بار دیگر پیدا می‌شود.

این رمان که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد تا امروز به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده و جایزه ادبی گنکور را کسب کرده است.

روایت های داستان عاشق به شدت زیباست. در حال خواندن رمان خواننده احساس می‌کند با کرجی در رودی در سایگون درحرکت است و غم‌ها همراه با شنیدن آوازی فرانسوی در آفتاب مه‌گرفته رودخانه ناپدید می‌شود و خورشید بار دیگر پیدا می‌شود

گشتی در کتاب

«موعد عزیمت، با نفیر سه‌باره سوت کشتی فرارسید، نفیری ممتد و گوش‌خراش که در تمام شهر می‌پیچید. در سمت بندر آسمان سیاه بود. بالاخره یدک کش‌ها به کشتی نزدیک شدند و آن را به پهنه وسط رودخانه کشاندند. بعد طناب یدک کش‌ها را جمع کردند، یدک کش‌ها دوباره به ساحل برگشتند. بعد هم کشتی یک‌بار دیگر نفیر وداع سر داد، از نو همان غریوِ گوش‌خراش بود با حزن مرموزی که نه‌تنها مسافران و نه‌تنها آن‌هایی که از هم جدا می‌شدند بلکه کسانی را هم که برای تماشا آمده بودند دلتنگ می‌کرد، همان‌هایی که بی‌دلیل آن‌جا بودند که سفر کرده‌ای نداشتند تا خیال و خاطرشان بیاشوبد. بعد هم کشتی، خیلی آرام و با هرچه در توان داشت، در دل رود روان شد. پیکره لندهورش که به سمت دریا پیش می‌رفت تا ساعت‌ها دیده می‌شد. آدم‌های بسیاری آنجا می‌ماندند تا کشتی را نگاه کنند تا با حرکاتی بسیار کند و نیز با دلمردگی دستمال یا شالشان را در هوا تکان دهند. بعد هم سرانجام کشتی در قوسِ کروی‌شکلِ زمین گم می‌شد.»

عاشق اثر مارگریت دوراس توسط نشر اختران با ترجمه قاسم روبین در ۱۱۲ صفحه رهسپار بازار کتاب شده است.